



جغرافیای تاریخی امپراتوری پارتیان

علی اصغر مرزایی

دانشجوی دوره‌ی دکترای تاریخ باستان دانشگاه تهران

اشاره

شمال، توانستند مرزهای امپراتوری را حفظ کنند. سرانجام هم امپراتوری خود را نه به بیگانگان، بلکه به صاحبان ایالت پارس سپردند که چندین قرن پیش صاحب امپراتوری وسیع جهانی بودند. در این نوشتار سعی شده است، سابقه‌ی پارت، منشأ پارتیان، چگونگی شکل‌گیری حکومت، حدود جغرافیایی، پایتخت‌ها، راه‌ها و جاده‌هایشان را بررسی کنیم.

پیشینه‌ی ایالت پارت

ایالت پارت در شمال شرقی ایران، خراسان امروزی را در بر می‌گرفته است. به عقیده‌ی محققان، نخستین بار از پارت در کتیبه‌های آسرحدون (۶۶۹-۶۸۱ ق. م) با عنوان «پارتاکا» یاد شده است. طبق کتیبه‌ها، گویا آسرحدون در سال ۶۷۳ ق. م به این مناطق حمله کرده است. [دوبواز، ۱۳۴۲: ۳، و مشکور، ۱۳۵۰، ج ۱: ۱۰۳]. کوروش بزرگ (۵۳۰-۵۵۰ ق. م)، به دنبال فتح «مادوگویا» قبل از لیدی، این منطقه را نیز به اضافه‌ی سایر مناطق شرقی، به تصرف در آورد. [داندامایف، ۱۳۸۱: ۴۴].

در زمان هخامنشیان، برای اولین بار نام پارت در کتیبه‌ی

با سقوط امپراتوری پهناور هخامنشیان به دست اسکندر مقدونی در سال ۳۳۰ ق. م، عملاً تمام مرزهای این امپراتوری در اختیار یونانیان قرار گرفت. ولی اسکندر جوان به علت مرگ زودرسش نتوانست، چنان‌که باید و شاید برای حفظ این میراث عظیم سازماندهی کند. جانشینانش هرگز درصدد حفظ کل امپراتوری به نفع فرزند یا برادر وی برنیامدند و از همان آغاز، به مبارزه علیه یکدیگر برای دست یافتن به قدرت بیش‌تر و سرزمین وسیع‌تر برخاستند. تعدد سرداران، عملاً امپراتوری را تکه‌تکه کرده بود و فقط بعد از مدتی و آن هم بسیار کوتاه، سلوکوس توانست تنها در حوزه‌ی ایران و بین‌النهرین، امپراتوری را حفظ کند. البته این روند نیز چندان به طول نینجامید و دیودوتوس در باختر، ارشک در پارت از شرق، مادآتر و پاتن در شمال غربی ایران و پارس و عیلام از جنوب به تهدید آن پرداختند.

در این میان، تنها قبایل جنگجوی «پرتی» بودند که با قدرت جنگی خویش توانستند، ایالت‌های مستقل و مجزای به ارث رسیده از اسکندر و جانشینانش را، تحت یک امپراتوری واحد درآوردند؛ آن هم نه به مدتی کوتاه، بلکه در طول ۴۷۶ سال. آن‌ها با وجود حمله‌ی «سکاها» از شرق، رومیان از غرب، و ایریانیان و آلان‌ها از

داریوش اول (۴۸۶-۵۲۲ ق. م)، کتیبه‌ی بیستون، آمده است. در این کتیبه، از پارت به نام «پَرثوَه» یاد شده است [کنت، ۱۳۷۹: ۳۹۳].

معادل یونانی کلمه‌ی پَرثوَه، «پَرثیا» است که به هیچ وجه به قبایل پرنی منسوب نیست. طبق گزارش کتزیاس، مورخ یونانی سده‌ی پنجم ق. م این ایالت از طرف کوروش بزرگ به پسر کوچک ترش، بردیا تفویض شد. [فوتیوس، ۱۳۷۹: ۳۹، و گیرشمن، ۱۳۶۴: ۱۴۷].

باروی کارآمدن داریوش بزرگ در سال ۵۲۲ ق. م، پارت نیز از نواحی و ایالت‌هایی بود که علیه وی شوریدند. طبق کتیبه‌ی بیستون، در این زمان (سال ۵۲۲ ق. م) ساتراپ (شهربان) پارت، ویشناسپ، پدر داریوش بود که در عین حال، حکومت «هیرکانی» را نیز در اختیار داشت. ویشناسپ، به گزارش کتیبه، طی دو جنگ «ویسپا اورتیش» و «پتی گربنا» موفق شد، شورشیان را سرکوب کند و این ولایت را به امپراتوری بازگرداند [کنت، پیشین: ۴۱۵]. به علت این که شورشیان خود را هواخواه فرورتیش (از اعقاب پادشاه ماد، هوخستره) می‌خواندند، محققان حدس می‌زنند که این ایالت نیز از مناطق متصرفی و قلمروی ماد بوده است.

به گزارش هرودوت (۴۲۵-۴۸۴ ق. م)، پارت (ایالت پارت)، خوارزم، سند، و آریه (هرات)، ساتراپی شانزدهم تقسیمات داریوشی را تشکیل می‌دادند و جمعاً ۳۰۰ تالان نقره، مالیات می‌پرداختند. در کتیبه‌ی بیستون، پارت مقام دوازدهم را در اختیار دارد. پارتیان نیز مانند دیگر اقوام و قبایل شاهنشاهی، در لشکرکشی‌های پر دامنه‌ی شاهان هخامنشی به کار گرفته می‌شدند. از جمله، هرودوت در لشکرکشی خشایارشا (۴۶۵-۴۸۵ ق. م)، به رسته‌ی پارت‌ها و خوارزمی‌ها به فرماندهی ارتباز پسر فرناسپ اشاره می‌کند [هردوت، ۱۳۸۰: ۲۲۴ و ۲۷۶].

در نبرد داریوش سوم (۳۳۰-۳۳۶ ق. م) با اسکندر مقدونی (۳۲۳-۳۳۶ ق. م) نیز شرکت دسته‌ای از پارتیان را شاهد هستیم [رجبی، ۱۳۸۰، ج ۴: ۱۰]. با مرگ اسکندر در سال ۳۲۳ ق. م و تقسیم امپراتوری او میان جانشینانش، پارت به انضمام ایالات شرقی در اختیار پیفون یا پیتون قرار گرفت [دیاکونوف، ۱۳۴۴: ۸، دوبواز، پیشین: ۶؛ و پیرنیا، پیشین: ۲۰۰۷]. با تشکیل حکومت «سلوکیان» توسط سلوکوس در سال ۳۱۲ ق. م، پارت نیز تحت سیطره‌ی این دولت قرار گرفت. آخرین ساتراپ سلوکی بر پارت، آندراگوراس بود که قبل از آنتیوخوس دوم بر پارت حکومت می‌کرد. وی در کشمکش با قبایل پرنی و سرکردگی اوشک و تیرداد

به قتل رسید و عملاً عنوان آخرین ساتراپ یونانی پارت را به نام خود رقم زد [گوتشمید، بی تا: ۴۷؛ و: دیاکونوف، پیشین: ۳۹].

سرزمین پارت عهد قدیم را بعضی از محققان واقع در همان دره‌ی خراسان می‌دانند. اعتمادالسلطنه معتقد است که دهستان یا قوت حموی و سرزمینی که طوایف داهه (از تیره‌های سکایی که پری‌ها از آن‌ها منشعب بودند) در آن می‌زیسته‌اند، مشتمل بر بجنورد و قوچان و دره گز تا توس بوده است [اعتمادالسلطنه، ۱۳۱۰، ج ۱: ۱۸۹].

ظاهراً پارت عهد قدیم شامل شهرهای کنونی: دامغان، شاهرود، جوین، سبزوار، مشهد، بجنورد، قوچان، دره گز، سرخس، اسفراین، جام، ترشیز، خواف، تربت حیدریه و نیشابور بوده است. طول این ولایات از طرف غرب به شرق تقریباً ۴۸۰ کیلومتر و عرض آن‌ها ۲۰۰ کیلومتر می‌شده است [پیرنیا، پیشین: ۲۱۸۶].

منشأ پارتیان

مورخان و جغرافیدانان عهد قدیم، نام پارتی‌ها را مأخوذ از اسم قبیله‌ی پارنی (پرنی) که تیره‌ای از قوم سکایی داهه بودند، ذکر می‌کنند. در زمان تسلط اسکندر، این اقوام در بیابان‌های بین سیحون و جیحون در حرکت بوده‌اند [دیاکونوف، پیشین: ۳۹] و مسکن اصلی آن‌ها، گویا استپ‌های میان گرگان و دریای آرال بوده است [مشکور، پیشین: ۱۰۱]. نخستین باری که از پارتیان آثاری به دست آمده، در سواحل رود تجن (تجنند) بوده، ولی نمی‌توان گفت که این مکان مبدأ و منشأ اصلی آن قوم بوده است؛ زیرا سکونت این قبایل (پرنی) در ایالت پارت باعث شده بود که یونانیان و رومیان آن‌ها را «پارتیا» بخوانند، در حالی که ایشان از بومیان ایالت پارت و خراسان نبودند [پیشین، ص ۱۰۹]. با روی کارآمدن سلوکیان، قوم پرنی به ریاست دو برادر از سایر اقوام سکایی داهه جدا شدند و به طرف غرب حرکت کردند. آن‌ها در این حرکت، شهرهای «اسکندریه‌ی مرو» (مرغیان) و «هراکلیه‌ی آریا» (هرات) را ویران ساختند و این اولین تهاجم ایشان بود [دیاکونوف، پیشین: ۳۹].

شکل‌گیری حکومت پارتیان (اشکانیان) و تصرف مناطق سلوکیان

دومین تهاجم که در سال ۲۵۰ ق. م رخ داد، برای پرنیان سرنوشت ساز بود؛ چرا که با این تهاجم آن‌ها موفق شدند، ساتراپ شورشی پارت، آندراگوراس را شکست دهند و برای خود مناطقی

را دست و پا کنند. در سال ۲۴۷ ق. م، پرنیان در شهر «آساک»، ارشک (آرشاک) را به پادشاهی خویش برگزیدند. آساک محلی در ایالت «نسا» بود که بعدها به «آستاونا» معروف شد [دیاکونوف، پیشین: ۳۹؛ و Raw Linson. 1873: 43-45]. در واقع، حکومت اشکانیان که خود را به خاطر نام بنیانگذارشان اشکانی می خواندند، از ناحیه ی نسا (آستاونا) شروع شد که مرکز آن شهر آساک، نزدیک قوچان امروزی بود [دیاکونوف، پیشین: ۴۳؛ و مشکور، پیشین: ۱۱۳].

شهرهای بعدی که به تصرف اشکانیان درآمدند، «هیرکانیا» یا گرگان امروزی و «کومی سن» یا قومس بودند که «هکاتوم پیلوس» در آن واقع بود. با اظهار اطاعت ارشک دوم (تیرداد) (۲۱۱ ق. م) از پادشاه سلوکیه، سلوکوس دوم (۲۲۶ تا ۲۴۶ ق. م)، تیرداد قلعه ی دارا را در نزدیک «اپورتکین» (اپورک تکین، اپاورته تن)، نزدیک ایبورد کنونی مستحکم کرد و شهر «هکاتوم پیلوس» یا صد دروازه را در قومس و نزدیک دامغان و شاهرود به تصرف درآورد [پیشین]. شهر هکاتوم پیلوس شهری یونانی بود که در دوره ی تسلط یونانیان ساخته شده بود و مردم آن نیز یونانی و تابع دولت سلوکی بودند.

اشک سوم (اردوان اول، ۲۱۱-۱۹۱ ق. م)، با بهره گیری از مشغول بودن سلوکیان در غرب، حدود جغرافیای پارت را با تصرف همدان، ماد و فوادیه به کوه های زاگرس رساند [دیاکونوف، پیشین: ۴۲؛ رجیبی، پیشین: ۷۲؛ و گوتشمید، پیشین: ۸۲]. اما با لشکرکشی آنتیوخوس سوم، پادشاه سلوکی (۱۸۷-۲۲۳ ق. م) در سال ۲۱۱ ق. م به شرق، ماد، هیرکانیا، قلعه ی سیرنیکا و هکاتوم پیلوس به تصرف وی درآمدند و مرزهای دولت پارت، عملاً به حدود ایالت پارت محدود شدند. در زمان اردوان اول، به خاطر حمله ی آنتیوخوس سوم از غرب و دولت باختر از شرق، قلمروی دولت پارت تنها در ناحیه ی پارت بود [مشکور، پیشین: ۱۲۴]. میتیردات اول (مهرداد، ۱۳۸-۱۷۱ ق. م) جانشین اردوان اول، مرز شرقی امپراتوری را به سمت دولت باختر سوق داد و شهرهای «آسیونس» و «توریوا» را که در میان باختر و نسا قرار داشتند، از دولت باختر منتزع ساخت و علاوه بر آن، آریانا (هرات) را تصرف کرد و مرز خود را به کوه های هندوکش رساند [مشکور، پیشین: ۱۳۰؛ و: پرنیا، پیشین: ۲۲۳۱]. از طرف جنوب نیز وی سیستان را تا حوالی «اروسوسی»، ناحیه ی هرات و «گوروسیا» تسخیر کرد [دوبواز، پیشین: ۱۴؛ و: مشکور، پیشین: ۱۳۱]. در سال ۱۵۵ ق. م، مهرداد اول، ماد و به دنبال آن ارمنستان را به تصرف خود درآورد و راه را برای گشودن بین النهرین باز کرد. در سال ۱۴۱

ق. م، بابل و سلوکیه به تصرف مهرداد درآمدند و او با فتح این دو شهر استراتژیک، مرز امپراتوری را که خود توسعه بخشیده بود، به رودخانه ی فرات رسانید.

از زمان آنتیوخوس چهارم، پادشاه سلوکی (۱۷۵-۱۸۷ ق. م) و با مرگ وی، ایالت های پارس، عیلام و ماد آتروپاتن عملاً مستقل شدند. با خیزش دولت پارت و تلاش های جهانگیرانه ی مهرداد اول، این ایالت ها نیز بعد از استقلال کوتاه مدت، تابعیت اشکانیان را پذیرفتند. به اعتقاد محققان، عیلام آخرین ایالتی بود که در غرب امپراتوری به تصرف مهرداد اول درآمد؛ زیرا به دلیل تهاجم سکاها در شرق به مرزهای پارت، وی ناچار شد که تا آخر عمر، وقت خود را صرف مبارزه در برابر این اقوام بیابانگرد کند [دیاکونوف، پیشین: ۴۲؛ و مشکور، پیشین: ۱۳۹]. به این ترتیب، مرزهای پارت در زمان مهرداد اول از هندوکش تا فرات امتداد داشتند. قلمروی پادشاهی او در این زمان، شامل: سرزمین اصلی پارت، گرگان، باختر، مرو، خوارزم، هرات، زرنگ، رنج، پنجاب هند، ولایت آمادها (که در زمان فرهاد اول تصرف شده بود)، ماد بزرگ، ارمنستان، خوزستان، پارس و بابل بود. مرزهای شمالی نیز به دریای گرگان و در شمال شرقی به جیحون محدود می شد [مشکور، پیشین: ۱۴۴].

محققان به روایت از ایسیدور خاراکسی و پلی بیوس، امپراتوری مهرداد اول را به دو بخش علیا و سفلا تقسیم کرده اند که هر بخش شامل چندین ایالت می شد و حد فاصل آن ها، دروازه های خرز بود. ناحیه ی سفلا از هفت ایالت به این شرح تشکیل می شد: ۱. بین النهرین و بابل؛ ۲. آپولونینیس در سوریه (احتمالاً سیاتسن)؛ ۳. خالونی تیس، قسمتی از اربل؛ ۴. کارینا که آن را با کونه فعلی در کرمانشاه یکی می دانند؛ ۵. کامبادنه، در حدود کرمانشاه امروزی؛ ۶. مادعلیا یا ناحیه ی اکباتانا یا همدان فعلی؛ ۷. ماد سفلا ی پاری.

ناحیه ی علیا نیز شامل ۱۱ بخش زیر می شد: ۱. ناحیه ی خوارنه، یا خوار در جنوب ری؛ ۲. کومیسنه یا کومش یا قومس در حدود سمنان، دامغان و شاهرود کنونی؛ ۳. هیرکانیا یا گرگان امروزی؛ ۴. آستاونه یا نسا که یونانیان به آن پرتونیس می گفتند و امروزه شامل سیملجان، بجنورد، شیروان و قوچان می شود؛ ۵. پارت، قسمت بزرگی از خراسان فعلی؛ ۶. آپاورتکین یا اپاورک تکین در نزدیکی ایبورد کنونی؛ ۷. مرو یا مرغیان؛ ۸. آری یا (هرات فعلی در افغانستان)؛ ۹. آناون، سرزمین آناری ها که یکی از نواحی فرعی ایالت آری یا جبوده است؛ ۱۰. زرنگ یا سیستان که بیش تر از آن که تابع باشد، وابسته بوده است؛ ۱۱. هندوستان

سفید که با آراخوزیای قدیم قابل تطبیق است [Isidore of charax, 1914:3؛ و: گوتشمید، پیشین: ۸۵-۸۴].

در این تقسیم‌بندی از ماد آتروپاتن، عیلام، پارس و کرمان نامی نیست و احتمالاً بیش‌تر به این خاطر بوده است که در نظر نویسندگان و مورخان عهد قدیم، این ایالت‌ها بیش‌تر از آن‌که تابع باشند، وابسته بودند و از استقلال نسبی برخوردار، و تنها تابعیت ظاهری امپراتوری پارت را پذیرفته بودند. در زمان سلطنت **فرهاد دوم** (۱۲۸-۱۳۸ ق. م)، پادشاهی «اسروتن» به پایتختی «الرها» در شمال بین‌النهرین (بین‌النهرین علیا)، از دولت پارت جدا شد و حکومت مستقل، اما تابع دولت پارت را تشکیل داد. با حمله‌ی آنتیوخوس هفتم، پادشاه سلوکی (۱۲۹-۱۳۸ ق. م) به پارتیان از جانب شرق در سال ۱۳۰ ق. م، مرزهای دولت پارت تغییر کرد و تا مدتی به پارت محدود شد. در این حمله، تیسفون که از زمان مهرداد اول به عنوان پایتختی در برابر سلوکیه انتخاب شده بود، سلوکیه، بابل ماد و ایالات غربی از جمله ماد آتروپاتن (آذربایجان کنونی)، عیلام و پارس که به حمایت از وی در برابر پارتیان برخاستند، به تصرف پادشاه سلوکی درآمد. ولی با شکست وی در ایالت ماد، مرزهای امپراتوری به همان حدود قبلی خود برگشتند. در این زمان، دولت مستعجل سلوکی به «کلیکیه» و سوریه محدود شده بود. در همین زمان، از طرف شرق نیز سکاها پیشروی کرده و خود را به حدود جیحون رسانده بودند. سکاها به دلیل دیررسیدن به جنگ فرهاد دوم با آنتیوخوس هفتم، عملاً از دریافت غنائم جنگی که فرهاد در ازای کمک آن‌ها قرار بود بپردازد، محروم شده بودند. بنابراین امپراتوری را محل تاخت و تاز قرار دادند و تا حدود بین‌النهرین پیش آمدند. [مشکور، پیشین: ۱۵۹؛ و: Rawlinson, Ibid, 108-109]. ولی سرانجام با تهدید و تطمیع توسط اردوان دوم (۱۲۴-۱۲۸ ق. م)، به شرق عقب رانده شدند.

در زمان **مهرداد دوم** (۸۷-۱۲۴ ق. م)، امپراتوری پارت به اوج عظمت و گستردگی خود رسید و توانست تا مدتی در زمان حکمرانی این پادشاه، مرزهای ثابتی را در اختیار داشته باشد. اولین اقدام او بیرون راندن سکاها از شرق امپراتوری بود. وی در شمال شرقی، مرو را تصرف کرد و حدود امپراتوری را به جیحون رساند و ایالت‌های سرو، تراکسیانا، ماوراءالنهر و هرات را به امپراتوری افزود [دوبواز، پیشین: ۱۴؛ و: مشکور، پیشین: ۱۶۹]. در غرب نیز، دولت مستعجل «خاراکسن» را که هیسپانوسین در مصب خلیج فارس تشکیل داده بود، برانداخت و پس از آن مرز خود را به فرات رساند. به این ترتیب، در شرق، سیستان، قندهار، هرات و

ایالت شرقی تا هریرود (آریوس) و در شمال شرقی، استپ‌های بین جیحون و آزال و استپ‌های حوالی دریای خزر، به تصرف دولت پارت درآمدند. در جنوب نیز پارس مستقل به قلمرو امپراتوری افزوده شد [گوتشمید، پیشین: ۸۱؛ و: مشکور، پیشین: ۱۷۱].

اقدام بعدی مهرداد دوم، تصرف ارمنستان بود که گویا در دوره‌ی فرهاد دوم و اردوان دوم از تابعیت دولت پارت خارج شده بود. با تصرف ارمنستان و به دست آوردن هفتاد دره‌ای که تیگران دوم به مهرداد بخشید، فاتح اشکانی توانست جبهه‌ی شمال بین‌النهرین و رود فرات را تقویت کند و آن را تحت نظارت خود بگیرد. با ورود روم به آسیای صغیر و پس از آن شرق دریای مدیترانه، فصل جدیدی در روابط دولت پارت با دولت‌های همسایه‌ی غربی و روم باز شد. پس از آن، بیش‌تر گرفتاری‌های امپراتوری پارت به این مناطق معطوف شد و بارها و بارها بسیاری از مناطق را از دست داد و دوباره پس گرفت. از جمله، در جریان لشکرکشی پومپه، کراسوس در زمان ارد دوم (۳۸-۵۵ ق. م)، مارک آنتونیوس در زمان فرهاد چهارم (۲-۳۸ ق. م) فرازان در زمان خسرو (۱۲۸-۱۱۰ م)، مارک اورلیوس در زمان بلاش سوم (۱۹۱-۱۴۸ م)، سبمتیموس در زمان بلاش چهارم (۲۰۸-۱۹۱ م) و کاراکارا در زمان اردوان پنجم (۲۲۵-۱۶۲ م)، شهرهای تیسفون، سلوکیه و سایر ایالات در غرب فرات، به تصرف امپراتوران روم درآمدند. اما پارتیان توانستند بلافاصله آن‌ها را پس بگیرند و دوباره حدود امپراتوری را به فرات برسانند. از آن‌جا که کشمکش و مبارزه‌ی دو امپراتوری پارت و روم، به ناحیه‌ی فرات و ارمنستان محدود می‌شد و در اکثر موارد نیز، این دو منطقه بین دو طرف دست به دست می‌شد، اغلب محققان مرز غربی امپراتوری پارت را فرات می‌دانند.

حدود جغرافیای امپراتوری پارت

حکومت اشکانیان از شمال غربی به سرزمین آلان‌ها و ایبری‌ها (در شرق دریای خزر و بین دریای خزر و سیاه) و از غرب به ایالت‌های تابع روم، از جمله «پونتوس»، «ساموسات»، «کاپادوکیه»، سوریه و فلسطین محدود می‌شد. آخرین ایالت‌های مرزی در غرب امپراتوری، بابل، «دورا-اروپوس»، «ادسا»، «حران» و «اوسروتن» بودند. فرات مرز طبیعی دو امپراتوری در زمان صلح بود. ایالت «میشان» در مصب دجله و فرات، جایی که به خلیج فارس می‌ریختند، قرار داشت. بابل چندین فرسخ پائین‌تر از سلوکیه و در شرق فرات، بین دو نهر بود. دورا-اروپوس

نزدیک فرات، پائین تر از ادسا و حران واقع شده بود. حران، ادسا و اسروتن نیز در ناحیه ای نزدیک به هم واقع بودند.

این امپراتوری از جنوب به خلیج فارس و دریای عمان و از جنوب شرقی به ایالت «مکران» و «گدروسیا» (گدروزیا) و پادشاهی تابع هند و پارسی محدود می شد. «آراخوزیه»، «باگتريا»، «مرو»، «دارا و هیوکانه» ایالت هایی بودند که در بیش تر زمان ها، زیر نظر مستقیم این دولت قرار داشتند. در شرق، طویف «یوئه - چه ای» و ایالت «تاکسیلا»، این امپراتوری را محدود می کردند. از شمال شرقی به سند، «مرکند» (سمرقند)، و رود «وخش» که به دریای خوارزم یا وخش یا آران می ریخت، محدود می شد. در شمال نیز، خوارزمیه و سرزمین های بین خوارزم و دریای خزر و دریای خزر، این امپراتوری را محدود می کردند.

پایتخت های اشکانیان

از آن جا که اشکانیان قومی بیابانگرد و همیشه در حال کوچ و جابه جایی بودند، هنگامی که به حکومت رسیدند و پایه های امپراتوری بزرگ خود را بنیان گذاشتند به پیروی از همان سرشت قبله ای خود، در حین این که به طرف غرب پیش می رفتند، پایتخت خود را نیز تغییر می دادند. این تغییر پایتخت، البته خود از عواملی بود که باعث شد حکومت تداوم یابد. چرا که هنگام تهاجم پادشاهان سلوکی، چون آنتیوخوس سوم و آنتیوخوس هفتم، اشکانیان پایتخت خود را از غرب به شرق انتقال می دادند. این امر در زمان تهاجم رومیان از جمله کراسوس، تراژان و مارک اورلیوس به روشنی نمود می یابد. پایتخت هایی که پادشاهان اشکانی در آن ها به سر می بردند، به پیروی از حرکت آن ها، از شرق به غرب امتداد داشتند:

دارا

این شهر را به نام های چون دارا و داریوم نوشته اند. شهر در جلگه ای پرآب و زرخیز قرار داشت که به واسطه وجود جنگل های انبوه، از هوایی فرح بخش برخوردار بود. از کهن ترین پایتخت های اشکانیان بود و در نزدیک «ایبورد» [مشکور، پیشین: ۱۴۸]، بعضی از محققان جای دارا را در دره ی گرگان حدس می زنند [سایکس، ۱۳۳۵: ۴۱۶] و برخی محل شهر را در دره گز کنونی می دانند و معتقدند، کلمه ی دره گز در اصل داراگرد بوده است یعنی شهر دارا [اعتماد السلطنه، پیشین: ۱۸۹].

آساآک (آرشاکیا - آرساسیا)

این شهر در ناحیه ی آستاونا (نسا) قرار داشت و به گفته ی

ایسیدورخاراکسی، محل آتشکده ی مقدس آذربرزین مهر بود [Isidore of charax, Ibid 6:؛ و: مشکور، پیشین: ۱۵۰]. در منابع از این شهر به عنوان محل تاجگذاری اولین اشک و سرکرده ی دودمان اشکانی آمده است. یونانیان، نسا را پارتونسا می گفتند [Isidore of charax, Ibid 9:؛ پیرنیا، پیشین: ۲۶۳۹؛ دیاکونوف، پیشین، ۶۴؛ و مشکور، پیشین: ۱۴۹]. جایگاه نسا را در شمال غربی عشق آباد کنونی در ترکمنستان تعیین کرده اند. امروزه از دو نسا نام برده می شود: نسا ی قدیم و نسا ی جدید. نسا ی قدیم گویا پایتخت ارشک اول اشکانی بوده است [مشکور، پیشین: ۱۴۹].

هکاتوم پیلوس یا صدروازه

این شهر که توسط یونانیان ساخته شده بود، به صدروازه شهرت داشت. در جریان پیشروی و گسترش قلمروی حکومت اشکانیان، این شهر بعد از دارا و نسا به پایتختی انتخاب شد. صدروازه در میان دامغان و شاهرود امروزی واقع بود [پیشین، ص ۱۵۰]. در لشکرکشی آنتیوخوس سوم به شرق در سال ۲۱۱ ق. م، هکاتوم پیلوس نیز به تصرف وی درآمد، ولی پس از این لشکرکشی و بازگشت پادشاه سلوکی، پارتیان دوباره شهر را در اختیار گرفتند. بعد از این نیز، هیچ یک از پادشاهان سلوکی موفق به تسخیر آن نشد. براین اساس می توان گفت که این شهر قبل از لشکرکشی آنتیوخوس سوم به پایتختی برگزیده شده بود.

تیسفون

مقر حکمرانی و ادارات دولتی بود و شاهان اشکانی، زمستان را در این شهر می گذرانند. برای اولین بار توسط مهرداد اول به عنوان پایتخت انتخاب شد. تیسفون را به یونانی «کتزیفون»، به پهلوی «تیسپون» و به ارمنی «دپستون» می گفتند [فرای، ۱۳۷۷: ۳۰۳-۴؛ مشکور، پیشین: ۱۵۰؛ Isidore of charax, Ibid, 26:9]. تیسفون در سمت چپ دجله (شرق دجله) و درست در نقطه ی مقابل سلوکیه که بر سمت راست رودخانه بود، قرار داشت. به گفته ی مورخان عهد باستان، اشکانیان این شهر را در برابر سلوکیه بنا کردند تا سلوکیه را تنزل دهند و از اهمیت آن بکاهند، ولی در این کار به مقصود نرسیدند. استرابن می نویسد، درباریان اشکانی پس از گذشتن زمستان، از تیسفون به راه می افتادند، به سوی گرگان می رفتند و در شهرهایی مانند همدان و ری و صدروازه توقف می کردند، تا به شهر «تاپه» در گرگان می رسیدند [مشکور، پیشین: ۱۵۱؛ و: Rawlinson, Ibid, 8]. شهری که از تمام

شهرهای ماد بزرگ تر بود، اقامتگاه اشکانیان در فصل بهار بود. تمام منابع یونانی تیسفون را مقر اداری اشکانیان نوشته اند. این شهر دوازده یا سیزده مایل زیر بغداد امروز قرار داشت و در زمان ساسانیان به اوج ترقی خود رسید [مشکور، پیشین: ۱۵۱].

ولاشگرد

یکی از اقامتگاه‌های ثانوی اشکانیان بود. که کنار دجله، کمی بالاتر از تیسفون قرار داشت. به گفته‌ی مورخان عهد باستان، از آن‌جا که اشکانیان نتوانستند یا ساختن تیسفون از اهمیت سلوکیه بکاهند، در مقابل، شهر ولاشگرد (ولوگزر وثرنا) را ساختند [پیشین، ص ۱۵۱]. محققان اعتقاد دارند، این شهر در زمان ولاش اول (۷۸-۵۲ م)، ساخته شده است.

راه‌ها و جاده‌ها

ایران از لحاظ جغرافیایی، از قدیم الایام معبر راه‌های شرق، غرب، شمال و جنوب بود. در زمان گسترش امپراتوری هخامنشیان، این ارتباط میان چهار جهت امپراتوری محسوس تر شد. به اعتقاد محققان، تلاش اسکندر نیز برای پیشروی تا شرق و هند، به این ارتباط کمک بسیار شایانی کرد. ایران در زمان‌های پیش از پارتیان، نقش میانجی را در تجارت جهانی بازی می‌کرد و در زمان پارتیان نیز، کماکان به وظیفه‌ی میانجی‌گری خود ادامه می‌داد؛ زیرا کاروان‌های بسیاری از جاده‌های آن‌ها استفاده می‌کردند. پارتیان از غرب با روم و دولت‌های تابع آن، از شرق با کوشانیان، هندیان و چینیان، از شمال با ایبریان و گرجیان و از شمال غربی با ارمنستان و دولت‌های آسیای صغیر مناسبات تجاری و بازرگانی فراوانی داشتند. برقراری مناسبات تجاری، بیش‌تر از راه زمینی بود تا دریایی. وجود راه‌ها و جاده‌های بی‌شماری از شرق به غرب و شمال به جنوب، این امر را امکان‌پذیر می‌ساخت.

پارتیان دو جاده‌ی تجاری بسیار مهم را تحت نظارت خود داشتند: یکی جاده‌ای که از فرات شروع می‌شد و بعد از عبور از سوریه و شمال بین‌النهرین، از دجله می‌گذشت و وارد تیسفون و ولاشگرد می‌شد. بعد از آن به طرف جبال حرکت می‌کرد، از بیستون می‌گذشت و وارد اکباتان می‌شد. این جاده در حرکت به طرف شرق، در سر راه خود، از شهرهای هکاتوم پیلوس، کومیسین، هیرکانیا، آساآک، نسا، مرو، هرات، باختر، سغد، کاشغر، یازگانو و تورفان می‌گذشت و پس از آن وارد سرزمین ترکستان می‌شد و از آن‌جا راه چین را در پیش می‌گرفت [دیاکونوف، پیشین: ۷۴].

به اعتقاد محققان، قافله‌های تجاری شرق و غرب در نقطه‌ی

مرکزی که موسوم به «برج سنگی» بود، تلاقی می‌کردند. احتمال می‌رود که این محل همان شهر «تاش کورگان» کنونی در ساحل علییای رود یارقند باشد. چون این جاده به ایالت باختر می‌رسید، به علت هجوم کوشانیان مسیرش را به طرف جنوب منحرف می‌کرد و از نواحی آراخوزیا، حدود شمال غربی هند و هرات می‌گذشت و بالاخره به شهر ری (راگس) می‌رسید. از آن‌جا نیز به اکباتان وارد می‌شده و از طریق دورا-اروپوس به سوریه می‌پیوست [دویوز، پیشین: ۴-۱۸۳]. شاخه‌ای از جاده‌ی ابریشم، سرزمین پارت را از طریق کابل به هندوستان پیوند می‌داد [دیاکونوف، پیشین: ۷۴]. جاده‌ی دیگری که پارتیان تحت نظارت خود داشتند، جاده‌ای بود که از آسیای صغیر شروع می‌شد و بعد از گذر از سوریه و شمال بین‌النهرین، به خلیج فارس منتهی می‌شد. [پیشین].

پارتیان هر چند برخلاف هخامنشیان، صاحب نیروی دریایی قوی، چه تجاری و چه جنگی، نبودند و دسترسی چندانی به دریا نداشتند، اما برای جلوگیری از رکود تجارت بین شرق و غرب که خود واسطه و دلال آن بودند، مانع از این می‌شدند که چینی‌ها، از راه‌های دریایی آگاه شوند و به‌طور مستقیم از طریق دریا با رومیان ارتباط پیدا کنند [پیرنیا، پیشین: ۲۶۹۸]. به گفته‌ی ایسیدور خاراکسی، نقطه‌ی غربی جاده‌ی ابریشم، «انطاکیه»، «اورونتس» و «زوغما» در فرات بود و از این نقاط شروع می‌شد و به طرف شرق می‌رفت [Isidore of charax, Ibid; 3-5].

گزارش ایسیدور خاراکسی از ایستگاه‌های پارتی

ایسیدور خاراکسی، مورخ یونانی قرن اول پیش از میلاد بود که کتابی درباره‌ی هجده ایالت پارتی به نام «استاتمس پارتیک» نوشته و در آن، شهرهای کشور اشکانی را شرح داده است، او را اهل «خاراکس»، شهری در خوزستان دانسته‌اند [مشکور، پیشین: ۲۸]. این مورخ یونانی، در گزارش خود هر یک از ایستگاه‌هایی را که نام می‌برد، فاصله‌ی آن‌ها را به فرسخ نیز به دست می‌دهد. گزارش ایسیدور درباره‌ی ایستگاه‌های پارتی، یکی از معدودترین گزارش‌ها درباره‌ی جاده‌های تجاری و بازرگانی، در زمان مبارزات میان پارت و روم است. گزارش ایسیدور، خط سیر کاروان را از «آتبوخ» (انطاکیه در سوریه) تا مرزهای هند، یعنی ایستگاه‌های تدارکات یا آن‌چنان که امروزه نامیده می‌شوند، کاروانسراهای نگهداری شده توسط دولت پارت، برای راحتی بازرگانان به دست می‌دهد. ایستگاه‌هایی که ایسیدور نام می‌برد، از این قرارند [Isidore of charax, Ibid, 3]؛ و: گوتشمید، پیشین: ۸۵].

بین‌النهرین و بابل، آپولونیاتیس، کالونی تیس (خالونی تیس)،

ماد، کامبادنه، مادعلیا، راگانای ماد (ری ماد)، خروفه، کومی سن (کومسین)، هیرکانیا، استائونا (استاونا)، پارتی پنا، اپااورتیکنا، مرگیانا (مرو)، آریا (هرات)، آئاتو، زرنگیانا (زرنگ)، سکستانا و آراخوزیا.

پادشاهی های تابع دولت پارتیان

در طول حکومت اشکانیان، ممالک و ایالت هایی وجود داشتند که به طور مستقیم، تحت نظارت دولت بودند و توسط والیانی اداره می شدند که از طرف دولت مرکزی منصوب می شدند. از جمله ای این ایالات، ایالاتی بودند که در گزارش ایسیدور به آن ها اشاره شد. ایالات و ممالکی نیز تابع دولت پارت بودند، ولی والیان پارت آن ها را اداره نمی کردند. در عوض، این ایالات از خود پادشاهانی محلی داشتند که دست نشاندهی شاهان اشکانی بودند. این ها در امور داخلی مملکتشان مستقل بودند، ولی هنگام جنگ می باید به نشانهی اظهار اطاعت از پادشاه اشکانی، برای وی نیروی نظامی می فرستادند.

این پادشاهی ها عبارت بودند از: میشان در جنوب بابل که به خرسنه معروف است، عیلام که شامل خوزستان و قسمتی از لرستان بود، ایالات پارس و کرمان، پادشاهی اسروئن در شمال غربی بین النهرین که مرکز آن اسدها (ادسا) بود، پادشاهی حدیب یا آدیابنه (آشور قدیم) که مرکز آن اربل و واقع بر رودخانهی زاب بود، پادشاهی کودیه، گودیه (کردوئن یا سرزمین کردوش ها) واقع در جنوب ارمنستان، پادشاهی ارمنستان، پادشاهی آتروپاتن (آذربایجان) و پادشاهی هندوپارتی، واقع در دره ی سند که از شهرهای مهم آن «تاکسیلا» بوده است.

بعضی از این ایالات، مثل پارس و خوزستان، گویا باج نمی پرداختند و تنها هدایایی برای دربار می فرستادند، ولی سایر ایالت موظف به پرداخت خراج بودند.

موقعیت جغرافیایی ایالت پارت

ایالت پارت که در اوایل حکومت اشکانیان مرکز ثقل این حکومت بود، از شمال به خوارزم و مرو، از شرق به هرات، از جنوب به ایالت های زرنگ و ساگارتی، و از غرب به ایالت گرگان (هیرکانیا) محدود می شد. چینی ها، پارت را «آن-سی» می نامیدند. از میان شهرهای این ایالات می توان به نسا، پارتی نیا، آساک و دارا اشاره کرد. رودهایی چون تجند، نیشابور و میان آباد نیز در آن جاری بودند [پرتیا، پیشین: ۲۱۸۶؛ و: Rawlinson, Ibid, 4-8].

زیرنویس

۱. دیوباز معتقد است که این منطقه بین سال های ۵۳۹-۵۴۶ ق. م به تصرف کوروش درآمده است [دیوباز، ۱۳۴۲: ۳].

۲. پرتوی پارتی باستان به مرور زمان تبدیل به پرتو و پرتو به پهلوی گردیده است. (ث) به (ه) تبدیل یافته و بعداً (ر) به لام تبدیل شده بود. ن. ک: پرتیا، ۱۳۴۴، ج ۳: ۲۱۸۴.

منابع

۱. دیوباز، نیلسون. تاریخ سیاسی پارت. ترجمه ی علی اصغر حکمت. تهران: انتشارات ابن سینا. تهران. چاپ اول. ۱۳۴۲.
۲. مشکور، محمدجواد. پارتی ها یا پهلوانان قدیم (تاریخ سیاسی). ج ۱. انتشارات دانش سرای عالی. تهران. چاپ اول، ۱۳۵۰.
۳. دادنامیف، محمد. آ. تاریخ سیاسی هخامنشیان. ترجمه ی خشایار بهاری، تهران، نشر کارنگ، تهران. چاپ اول. ۱۳۸۱.
۴. کنت، رولاند. ج. پارتی باستان (دستور زبان، متن، واژه نامه). ترجمه ی سعید عریان. سازمان تبلیغات اسلامی (حوزه ی هنری). تهران. چاپ اول. ۱۳۷۹.
۵. پرتیا، حسن. ایران باستان. ج ۳. انتشارات دنیای کتاب. تهران. چاپ پنجم. ۱۳۴۴.
۶. فوتیوس. خلاصه ی تاریخ کنزیاس (معروف به خلاصه ی فوتیوس). ترجمه و تحشیه ی کامیاب خلیلی. نشر کارنگ. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۹.
۷. گیرشمن، رومن. ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه ی محمدمعین. انتشارات علمی و فرهنگی. تهران. چاپ پنجم. ۱۳۶۴.
۸. هرودوت. تواریخ. ترجمه ی غلامعلی وحید مازندرانی. انتشارات افراسیاب. تهران. چاپ دوم. ۱۳۸۰.
۹. رجبی، پرویز. هزاره های گمشده (اشکانیان). ج ۴. انتشارات توس. تهران. چاپ اول. ۱۳۸۰.
۱۰. دیاکونوف، میخائیل لیلوریچ. اشکانیان. ترجمه ی کریم کشاورز. انتشارات انجمن فرهنگ ایران باستان. تهران. چاپ اول. ۱۳۴۴.
۱۱. گوتمسید، آلفرد من. تاریخ ایران و ممالک همجوار. از اسکندر تا انقراض اشکانیان. ترجمه ی کیکاوس جهانداری. شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران. تهران. بی تا.
۱۲. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. دُرُو التیجان فی تاریخ بنی الاشکان. ج ۱. انتشارات دنیای کتاب. تهران. چاپ اول. ۱۳۱۰.
۱۳. سایکس، سرپرسی و رث مولت. تاریخ ایران. ج ۱. ترجمه ی محمدتقی داعی فخر گیلانی. نشر وزارت فرهنگ. تهران. چاپ اول. ۱۳۳۵.
۱۴. فرای، ریچارد. میراث باستانی ایران. ترجمه ی مسعود رجب نیا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم ۱۳۷۷، ص ۳۰۴-۳۰۳؛ مشکور: پیشین، ص ۱۵۰، همچنین ن. ک.
15. Rawlinson, George. the sixth Great, orientol - monarchy. New -york1873. pp. 43-45.
16. Isidore of charax, Parthianstations. the Greek text with a translation and commentary by wilfred. H.Schoff. London. 1914.p.3.